

● از کجا بدونیم یک کلمه فعل هست یا نه؟

بهترین راه تشخیص فعل، توجه به معنی اونه به این صورت که اگه کلمه‌ای بر انجام کار یا روی دادن حالتی دلالت کنه به شرط این که شخص و زمان هم داشته باشه فعل. مثل: «ذَهَبَ» که به عمل «رفتن» دلالت داره و معلوم که یک نفر و در گذشته این عمل رو انجام داده.

🔸 **نوحه:** اگه کلمه‌ای بر انجام کار و روی دادن حالتی دلالت کنه ولی شخص و زمانش معلوم نباشه مصدر و همون طور که می‌دونیم مصدر، اسم نه فعل. مثل: «قتل» به معنی «کشتن»، به عمل کشتن دلالت داره ولی معلوم نیست که چه وقت و چه کسی این عمل رو انجام داده.

🔸 **نکته:** اگر در ترجمه، یک کلمه به یکی از نشانه‌های «دن»، «تن»، «ش» و «بی» ختم بشه اون کلمه معمولاً مصدر.

مثل: أكل (خوردن)، كتابة (نوشتن)، اسلوب (روش)، جمال (زیبایی)

● فعل، نشانه‌های دیگه‌ای هم داره که مهم‌ترین اونا موارد زیر هستن:

① اومدن یکی از حروف «قد - س، سوف - ما - لم - لما - لن - أن» بر سر یک کلمه. مثل: قد خَرَجْنَا، سأذْهَبُ، ما كَتَبُوا، لم نَعْمَلْ، لَمَّا يَجْلِسُ، لَنْ تَهْجُرُوا، أَنْ تَشْرَبُوا

② کلمه‌ای که آخرش تاء مبسوط ساکن (ت) داشته باشه (همون تاء کشیده‌ی زبان فارسی). مثل: عَلِمْتُ، وَجَدْتُ

🔸 **نوحه:** تاء مربوطه (ة) نشانه‌ی اسم (یعنی همون تاء گرد خودمون). مثل: محفظة، شجرة

③ اومدن ضمائر تاء (ت، تما، تم، ت، تما، تَنْ، ت) در آخر کلمه. مثل: اسْتَعْمَلْتُ، خِفْتُ، سَمِعْتُمْ

④ مجزوم بودن آخر کلمه. مثل: لَمْ يَعْمَلْ، إِنْ تَجَلَّسَ أَسَاعِدَكَ

🔸 **نکته:** مجزوم شدن فقط با ساکن شدن کلمه نیست، بلکه میتونه با افتادن نون اعراب (عوض رفع) از آخر فعل (يَذْهَبُونَ ← لَمْ يَذْهَبُوا) یا حذف حرف عله از آخر فعل (يَرْمِي ← لَمْ يَرْمِ) و یا بدون هیچ علامتی و به صورت محلی (يَكْتُبِينَ ← لَمْ يَكْتُبِينَ) باشه به

مجزوم شدن با حذف نون اعراب و نیز با حذف حرف عله، مجزوم شدن به اعراب ظاهری فرعی میگن که در مبحث اعراب می‌خونیم.

🔸 **نوحه:** فقط فعل که میتونه مجزوم بشه بهمون طور که فقط اسم میتونه مجرور بشه ولی هر دوشون میتونن منصوب و مرفوع بشن؛ به همین دلیل که اگه کلمه‌ای مجرور باشه، حتماً اسم و اگه کلمه‌ای مجزوم باشه حتماً فعل.

🔸 **نکته:** گفتیم که فعل مجرور همیشه اما اگه در آخر فعلی حرکت کسره دیدید اصلاً تعجب نکنید! اون کسره عارضی و علامت

مجرور شدن فعل نیست. در زبان عربی اگه حرکت ساکن به اسم دارای «ال» برسه، ساکن به کسره تبدیل میشه و علت اون هم رفع التقای ساکنین است. یعنی چون در زبان عربی تلفظ دو ساکن پشت سر هم ثقیل، ساکن اول رو به کسره تبدیل میکنن تا تلفظ آسون تر بشه. مثل: «لَمْ نُكْتُبِ الرَّسَالَهَ» که در این جا کسره نشانه‌ی مجرور بودن فعل نیست بلکه عارضی.

🔸 **نوحه:** کسره‌ی عارضی رو در آخر صیغه‌ی للغائبه ماضی (خَرَجْتُ)، صیغه‌ی للمخاطب امر (اجْعَلْ) و مضارع‌های مجزوم به سکون (لَمْ نُكْتُبِ) می‌تونیم ببینیم.

⑤ بودن نون تأکید (نون مشدّد ماقبل مفتوح: -ن) در آخر کلمه. مثل: يَقُولُنَّ، تَحْسِبُنَّ

🔸 **نوحه:** فعل ماضی، نون تأکید نمی‌گیره بنابراین نون مشدّد در صیغه‌ی للمخاطبات ماضی (خَرَجْتُنَّ) جزئی از ضمیر (تُنَّ) هست، نه نون تأکید.

**نکته:** برای تشخیص صیغه‌ی فعل‌هایی که نون تأکید دارن، کافیه نون تأکید رو حذف و فتحه‌ی قبل از اونو به ضمه تبدیل کنیم. مثل:  $يَقُولَنَّ \leftarrow يَقُولُ \leftarrow يَقُولُ$  (صیغه‌ی للغائب)،  $تَحْسِنَنَّ \leftarrow تَحْسِبُ \leftarrow تَحْسِبُ$  (صیغه‌ی للغائبة یا للمخاطب).  
**توجه:** نون تأکید از مباحث عربی انسانی اما دونستن اون کمک می‌کنه که دید بهتری در مورد تشخیص و ترجمه‌ی فعل‌ها پیدا کنیم.

أى اجابة خالية من الفعل؟

(۱) هذا الإحتفال قد إنعقد لتكريم التلميذ المنالى  
 (۲) ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله أمواتاً  
 (۳) نشأت الفتاة الشاعرة فى بيت السيادة و الفروسيّة  
 (۴) انتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنى الحميد

گزینه‌ی «۴» نشانه‌ی فعل در گزینه‌های ديگه علاوه بر معنی به‌ترتیب: قد (گزینه‌ی ۱)، نون تأکید (ن) (گزینه‌ی ۲) و تاء مبسوطة‌ی ساکنه (ت) (گزینه‌ی ۳). توجه داشته باشید که در گزینه‌ی (۳) کسره‌ی آخر فعل عارضی و برای رفع التقای ساکنین است.

كم فعلاً يوجد فى عبارة «لَنْ نَسْمَحَ للمستكبرين أَنْ يَدْخُلُوا فى شؤوننا الاجتماعية و السياسية»؟

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

گزینه‌ی «۲» فعل‌های جمله «لَنْ نَسْمَحَ» و «أَنْ يَدْخُلُوا» هستن و نشانه‌ی فعل در اونا علاوه بر معنی، حروف «لَنْ» و «أَنْ» هست.

۱- گزینه‌ی «۳» فعل‌ها رو مشخص می‌کنیم (به کمک علامتاشون):

گزینه‌ی (۱): «صَالِحٌ» (از روی معنی) + «قَدْ» «كُنْتُ» (تُضْمِيرُ بارز) + «سَوْفَ» «أَظَلُّ»  $\leftarrow$  ۳ تا / گزینه‌ی (۲): «تَامَرْتُ» (تاء تأنيث) + «نَحَتُّ»  $\leftarrow$  ۲ تا  
 گزینه‌ی (۳): «تَوَتَّى» + «تَشَاءُ» + «تَنْزِعُ» + «تَشَاءُ» + «تُعَزُّ» + «تَشَاءُ» + «تُدُلُّ» + «تَشَاءُ» (همشون نشانه‌ی مضارعة دارن)  $\leftarrow$  ۸ تا هنوزم تو جواب شک دارين!  
 گزینه‌ی (۴): «يَبْغِي» (از روی معنی) + «أَنْ» = حرف ناصب «يَجْتَنِبُ» + «صَعُرْتُ» (تاء تأنيث) + «اقْتَرَنْتَ» (تاء تأنيث)  $\leftarrow$  ۴ تا

۲- گزینه‌ی «۱» فعل‌های هر گزینه رو مشخص می‌کنیم:

گزینه‌ی (۱): «أَكْثَرَ» (از روی معنی) + «تَعَدُّ» (نشانه‌ی مضارعة داره)  $\leftarrow$  ۲ تا  
 ولی گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) هر کدوم یک فعل دارن که به‌ترتیب «يَطْلُبُ»، «يُدْفَعُ» و «يَدَأْتُ» هستن.

۳- گزینه‌ی «۲» «أَنْكَرَ» + «قَالُوا» + «مِتْنَا» + «كُنَّا»  $\leftarrow$  ۴ تا

**توجه:** «كُنَّا» از افعال ناقصه است که به‌جای فاعل، اسم و خبر می‌گیره. (بعداً می‌خونیم)

۴- گزینه‌ی «۴» «آت» تنها فعل این چند تا گزینه است.

در گزینه‌ی (۲)، «أَنْصَحُ» و «أَطْوَعُ» فعل ماضی باب افعال نیستن، پس چی هستن؟! اسم تفضیل. باید از معنی هم کمک بگیرين. همین‌طور این دو کلمه مضاف شدن و همون‌طور که بعداً می‌خونیم، مضاف شدن از نشانه‌های اصلی اسم. در گزینه‌ی (۳) هم «واضع» با این‌که بدون حرکت اومده، با ترجمه‌ی جمله می‌فهمیم که «واضع» اسم فاعل و فعل ماضی باب مفاعلة (واضع) نیست.

۵- گزینه‌ی «۲» «يَخْتَصُّ» و «يَشَاءُ» در گزینه‌ی (۱)، «يَتَرَكُ» در گزینه‌ی (۳) و «كَفَى» در گزینه‌ی (۴) فعل هستن.

«مجالسة» و «داعية» در گزینه‌ی (۲) به‌ترتیب مصدر باب مفاعلة و اسم فاعل ثلاثی مجرد هستن.

۶- گزینه‌ی «۲»: «أَنْزَلَ» + «أَنْبَتْنَا»  $\leftarrow$  ۲ تا / گزینه‌ی (۲): «إِحْذَرُ» + «يَرَى» + «يَفْقِدُ»  $\leftarrow$  ۳ تا / گزینه‌ی (۳):

«لَا يَجْعَلُ» + «تَعَدُّ»  $\leftarrow$  ۲ تا / گزینه‌ی (۴): «إِعْمَلُ» + «يُعَلِّمُ»  $\leftarrow$  ۲ تا

## صیغه فعل

● فعل در زبان عربی چه ماضی و چه مضارع، چهارده صیغه دارد که نام و شماره‌ی هر یک از صیغه‌ها به شرح زیر هست:

(۷) للمخاطب (أنت: ذَهَبْتَ - تَذَهَبُ)	مذکر	مذکر	(۱) للغائب (هو: ذَهَبَ - يَذْهَبُ)	مذکر	مذکر
(۸) للمخاطبتين (أنتما: ذَهَبْتُمَا - تَذْهَبَانِ)			(۲) للغائبتين (هما: ذَهَبَا - يَذْهَبَانِ)		
(۹) للمخاطبين (أنتم: ذَهَبْتُمْ - تَذْهَبُونَ)			(۳) للغائبين (هم: ذَهَبُوا - يَذْهَبُونَ)		
(۱۰) للمخاطبة (أنت: ذَهَبْتِ - تَذْهَبِينَ)			(۴) للغائبة (هي: ذَهَبَتْ - تَذْهَبُ)		
(۱۱) للمخاطبتين (أنتما: ذَهَبْتُمَا - تَذْهَبَانِ)			(۵) للغائبتين (هما: ذَهَبْتَا - تَذْهَبَانِ)		
(۱۲) للمخاطبات (أنتن: ذَهَبْتُنَّ - تَذْهَبْنَ)			(۶) للغائبات (هن: ذَهَبْنَ - يَذْهَبْنَ)		

(۱۳) للمتکلم وحده (أنا: ذَهَبْتُ - أَذْهَبُ)	وحده	متکلم
(۱۴) للمتکلم مع الغير (نحن: ذَهَبْنَا - نَذْهَبُ)	مع الغير	

**نکته:** اگر به صرف فعل ماضی و مضارع در جدول بالا به دقت نگاه کنیم، می‌بینیم که در ماضی، صیغه‌های للمخاطبتين و للمخاطبتين و در مضارع صیغه‌های للغائبة و للمخاطب و نیز صیغه‌های للغائبتين، للمخاطبتين و للمخاطبتين به هم شبیه‌اند و فقط در جمله از همدیگه قابل تشخیص هستند.

**نکته:** برای این که کسره‌ی عارضی آخر فعل، باعث اشتباه شما در تشخیص صیغه‌ی فعل نشه، به این حرکات توجه کنید:

ذَهَبْتَ التَّمِيذَةُ ... (صیغه‌ی للغائبة): در این جا کسره، عارضی است.

أَنْتِ ذَهَبْتِ ... (صیغه‌ی للمخاطبة): در این جا کسره جزئی از ضمیر است.

**نکته:** به این دو فعل توجه کنیم: «أرسلنا» و «أرسلنا» که تفاوت اونا فقط در حرکت حرف «ل» (آخرین حرف اصلی) هست اما از نظر صیغه خیلی با هم تفاوت دارن؛ چون اولی فعل ماضی صیغه‌ی متکلم مع الغير و «نا» فاعل اون درحالی که دومی فعل ماضی صیغه‌ی للغائب و «نا» مفعول اون. پس در صیغه‌ی افعالی که آخرشون ضمیر «نا» دارد به کم دقت کنیم.

عَيْنُ الْخَطَا عَنْ فِعْلِ «تَجْتَمِعَانِ»:

(۱) للغائبتين (۲) للغائبتين (۳) للمخاطبتين (۴) للمخاطبتين

گزینه‌ی «۱» چون در فعل مضارع، صیغه‌های للغائبتين، للمخاطبتين و للمخاطبتين شبیه به هم هستند و فقط در جمله از همدیگه قابل تشخیص؛ ولی صیغه‌ی للغائبتين فعل مورد سؤال، «يَجْتَمِعَانِ» هست نه «تَجْتَمِعَانِ».

عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَيْسَ فِي صِيغَةِ «لِالْغَائِبَةِ»:

(۱) هل تَتَنَاوَلُ فُطُورَكَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا؟

(۲) تَذْهَبُ أُمِّي الْحَنُونَ إِلَى مَدْرَسَتِي وَ هِيَ مَاشِيَةٌ

(۳) تُتَابِعُ التَّقَارِيرَ الْعِلْمِيَّةَ قَوْلَهَا «لِمَاذَا لَا تَكُونُ هَذِهِ الْمِيَاءُ حُلُوةً؟»

(۴) اسْتُخْدِمَتِ الْأَسْمَاكُ هَذِهِ الْأَضْوَاءُ فِي جَذْبِ الْأَسْمَاكِ الصَّغِيرَةِ

گزینه‌ی «۱» با توجه به ضمیر «ک» در این جمله، فعل «تتناول» در صیغه‌ی للمخاطب هست نه للغائبة. همچنین در گزینه‌ی (۴) کسره‌ی آخر فعل عارضی، بنابراین این فعل صیغه‌ی للغائبة است نه للمخاطبة؛ که این را از ترجمه‌ی جمله هم می‌تونیم بفهمیم.

## عَبَّرَ الْخَطَأَ عَنْ صِيغَةِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

(۱) تَبَّعْتُ (لِلغَائِبَةِ) (۲) تَسْتَعِينُ (لِلْمَخَاطَبِ) (۳) تَجَمَّعَ (لِلغَائِبَةِ) (۴) تَسْتَخْدِمَانِ (لِلْمَخَاطَبَتَيْنِ)

گزینه‌ی «۳» فعل «تَجَمَّعَ» ماضی باب «تَفَعَّلَ» در صیغه‌ی للغائب هست نه للغائبة و صیغه‌ی للغائبة این فعل «تَجَمَّعَتْ» هست. توجه کنید که گزینه‌ی (۱) می‌تونه صیغه‌ی للمخاطب هم باشه و گزینه‌ی (۲) می‌تونه للغائبة هم باشه؛ چون در فعل مضارع صیغه‌های للمخاطب و للغائبة از نظر ظاهری شبیه هم‌اند. همچنین گزینه‌ی (۴) می‌تونه للغائبتین و للمخاطبتین هم باشه که تشخیص همه‌ی این موارد فقط در جمله ممکنه.

۷- گزینه‌ی «۲» توصیه‌ای از یک مجروح! هیچ وقت به گزینه‌های اول اعتماد نکنید!

ریشه‌ی فعل «ت ب ت» هست و چون به انتهای حروف اصلی فعل یک «الف» مثنا چسبیده، می‌فهمیم که این فعل صیغه‌ی مثنای مذکر غائب.

۸- گزینه‌ی «۴» این فعل مضارع رو صرف می‌کنیم تا درس عبرتی باشه برای بقیه‌ی فعل‌ها!

۶	۵	۴	۳	۲	۱
(هن) يَجْتَنِبْنَ	(هما) تَجْتَنِبَانِ	(هي) تَجْتَنِبُ	(هم) يَجْتَنِبُونَ	(هما) يَجْتَنِبَانِ	(هو) يَجْتَنِبُ
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
(أنتن) تَجْتَنِبْنَ	(أنتما) تَجْتَنِبَانِ	(أنت) تَجْتَنِبِينَ	(أنتم) تَجْتَنِبُونَ	(أنتما) تَجْتَنِبَانِ	(أنت) تَجْتَنِبُ
				۱۴	۱۳
				(نحن) نَجْتَبُ	(أنا) أَجْتَبُ

همون طوری که می‌بینین صیغه‌های ۵، ۸ و ۱۱ عین هم هستن. این الگو برای هر فعل مضارع دیگه هم صادقه. پس ۵، ۸ و ۱۱ یادتون باشه. بررسی گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): صیغه‌ی ۸ (للمخاطبتین) / گزینه‌ی (۲): صیغه‌ی ۵ (لِلغَائِبَتَيْنِ) / گزینه‌ی (۳): صیغه‌ی ۱۱ (لِلْمَخَاطَبَتَيْنِ) / گزینه‌ی (۴): صیغه‌ی ۲ (لِلغَائِبَتَيْنِ)

۹- گزینه‌ی «۳» بررسی گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): «لَمْ» از ادوات جازمه هست و همون طور که گفتیم زورش به جمع‌های مؤنث نمیرسه و تغییری توشون نمیده. (یعنی نمیتونه نون صیغه‌های ۶ و ۱۲ رو حذف کنه).

گزینه‌ی (۲): «تَدْعِينَ» مؤنث مخاطب، همون «تَدْعَوِينَ» بوده که تغییر چهره داده و چون تحمل «واو» (و) براش سخت بوده اونو انداخته.

گزینه‌ی (۳): اگه فرایند امرسازی رو از آخر به اول بریم، یعنی یه «ن» به آخر فعل بدیم، همزه‌ی اول رو بگیریم و یه «ت» به اول فعل بچسبونیم میشه «ترمین» که مؤنث مخاطب یعنی للمخاطبة؛ نه للمخاطب.

گزینه‌ی (۴): اگه فعل «عَلِمَ» رو ببرین تو باب تفعیل و صرفش کنین و نون تاکید (ن) رو از آخرش حذف کنین، و لام‌الفعل رو هم مرفوع کنین، می‌بینین که این گزینه درسته!

۱۰- گزینه‌ی «۳» بهترین راه حل، معنی کردن جمله هست: ۱۸ تا سیب داریم، آن‌ها را به ۶ نفر تقسیم کن. «تقسیم کن» رو زمانی به کار می‌بریم که طرف مقابل و مخاطب ماست.

راه دیگه‌ی تشخیص، ظاهر فعل. «قَسَمَ» از باب تفعیل و صیغه‌ی امر مفرد مذکر مخاطب (للمخاطب). چون آخرش مجزوم پس امر (نمیتونه ماضی باشه) و امر هم (به جز امر به «لِ» نمیتونه غایب باشه).

۱۱- گزینه‌ی «۴» چی می‌بینیم؟ حرف جازمه‌ی «لَمْ»! پس آخر فعل یه چیزی باید حذف شده باشه. چون حرکت آخر «ب» هست پس حرف

حذف‌شده «ی» بوده، می‌ذاریمش سر جاش، «لَمْ» رو هم برمی‌داریم تا فعل اصلی رو پیدا کنیم:

«تَتَّهَى» با ریشه‌ی «ن ه ی» که مجزوم شده و حرف عله از آخر فعل حذف شده (مجزوم به حذف حرف عله).

**۱۲- گزینه‌ی «۴»**

**نکته:** به راه تشخیص مؤنث و مذکر بودن فعل، توجه به صیغه‌ی فعل و راه بهتر توجه کردن به فاعل جمله است.

فعل هر گزینه رو درمی‌یابیم تا ببینیم کدامش با بقیه فرق داره:

در گزینه‌ی (۱) فعل «تَدورُ»، گزینه‌ی (۲) فعل‌های «مازالتُ» و «تموجُ» و در گزینه‌ی (۳) فعل «تُزینُ» همگی للغائبه هستند ولی «وجَدَ» و «تواضَع» در گزینه‌ی (۴) للغائباند.

**۱۳- گزینه‌ی «۲»** باز می‌گیم، بهترین راه تشخیص صیغه‌ی فعل، توجه به معنی جمله هست. الان فعل گزینه‌ی (۲) با «ايتها الطالبة» داره داد

می‌زنه که صیغه‌ی للمخاطبه هست؛ حالا گزینه‌ها رو هم بررسی می‌کنیم، ولی از آخر به اول! محض تنوع!

گزینه‌ی (۴): «أسرى» فعل ماضی للغائب باب افعال / گزینه‌ی (۳): «إجعلُ» (للمخاطب)، «تهوی» (للمخاطب)، «أرزقُ» (للمخاطب) / گزینه‌ی (۲):

«لا تغتري» (للمخاطبه) / گزینه‌ی (۱): «لا ترفعُ» (للمخاطب)، «حططتُ» (للمخاطب) (ضمیر یاء ی) که به آخر اونا متصل شده مفعول جمله هست و نون قبل از اون نیز نون وقایه هست.)

**توجه:** به این نون که در گزینه‌ی (۱) مشخص شده می‌گن «ن» وقایه؛ ارزش خاصی نداره!

**۱۴- گزینه‌ی «۴»** از «ايتها الرجلان» که آخر جمله اومده، می‌فهمیم فعل یا باید امر باشه یا نهی و چون اولی جمله «لا» اومده؛ پس فعل نهی

(امر منفی). می‌دونیم «لا»ی نهی یکی از ادوات جازمه هست و در نتیجه فعل ما باید مجزوم باشه. از «ايتها الرجلان» یه چیز دیگه هم می‌فهمیم اونم اینه که فعل باید از نظر تعداد، مثنای مذکر (للمخاطبین) باشه. کدوم گزینه همه‌ی این شرایط رو داره؟ خُب گزینه‌ی (۴) دیگه! گزینه‌ی (۳) مجزوم نیست، گزینه‌ی (۲) للمخاطبه هست و گزینه‌ی (۱) هم للمخاطبات.

**۱۵- گزینه‌ی «۱»** «المعلماتُ» و ضمیر «هنَّ» در «طلابهنَّ» جمع مؤنث هستن پس فعل جای خالی هم باید للغائبات باشه یعنی «يُصَحْنُ».

چرا گزینه‌ی (۴) همیشه؟ برای این که «تصحنُ» صیغه‌ی للمخاطباتِ نه للغائبات و با «هنَّ» مطابقت نداره.

**۱۶- گزینه‌ی «۲»** از معنی جمله متوجه میشیم که به فعل نهی نیاز داریم چون «لا»ی با فعل مضارع در اول جمله، معمولاً «لا» نهی و فعل

نهی هم، چون «لا»ی جازمه داره باید مجزوم باشه، همین‌طور للمخاطب هم باید باشه. از کجا فهمیدیم؟ از «ك» در «تؤذيك».

در گزینه‌ی (۲)، «لا تُلَقَّ» همه‌ی این شرایط رو داره. تو بحث اعرال می‌خونیم «تُلَقَّ» در اصل «تَلَقَّی» بوده که چون مجزوم شده، «ی» حرف عله‌اش افتاده.

**۱۷- گزینه‌ی «۳»** از «هم» در «تتقدّمهم» می‌فهمیم که فعلمون باید للغائبین باشه، یعنی «يشعرون». این جوری، جمله معنی درست خودشو پیدا میکنه:

احساس میکنند که عقیده‌ی اسلامی آن‌ها را نجات می‌دهد.

**۱۸- گزینه‌ی «۲»** اصلاً «هولاء» یعنی چی؟ یعنی برو جمع غائب پیدا کن، یا مؤنث یا مذکر؛ فرقی نمی‌کنه. جمع مؤنث که نداریم پس جمع

مذکر رو انتخاب می‌کنیم (يُناجون). حواستون باشه که «تُناجون» للمخاطبات.

**۱۹- گزینه‌ی «۱»** وقتی «أن» را که از حروف ناصبه هست می‌بینیم، مطمئن میشیم که فعل بعد از اون باید مضارع منصوب باشه. می‌دونید

برای منصوب شدن فعلی، اگر در آخرش نون باشه و للغائبات یا للمخاطبات نباشه، نونش حذف میشه؛ پس همین‌جا گزینه‌ی (۳) رو حذف می‌کنیم.

همین‌طور در مورد فعل‌های معتل ناقص اگه عین‌الفعل مکسور باشه و بخواد منصوب هم بشه، اعرابش ظاهری میشه. یعنی «ی» آخر، «ك» می‌گیره

ولی دیگه «ك» نمی‌گیره، پر رو نشه چون «ك» خیلی وزنش از «ك» بیشتره! همین جوری! خلاصه این‌که گزینه‌های (۲) و (۴) هم حذف میشن و

گزینه‌ی (۱) می‌مونه. معنی‌ش هم همیشه: درست نیست کودک را در هر چه که می‌خواهد همراهی کنیم.

**۲۰- گزینه‌ی «۲»** «ما» کلاً چند تا معنی داره:

۱- معنی «چه چیزی» میده و اسم موصول. توی صورت سؤال‌ها زیاد می‌بینیدش!

۲- «ما»یی که همراه فعل ماضی میاد و اون رو منفی میکنه. مانند: ما جَلَسْتُ: ننشستم

۳- «ما»ی استفهام به معنی «چه چیزی» که غالباً در اول جملات پرسشی به کار میره.

۴- «ما»ی نفی به معنی «نیست» که قبل از اسم میاد و مفهوم جملات اسمیه را منفی میکنه. (با «ما»ی نفی ماضی اشتباه نشه!)

۵- «ما»ی شرط به معنی «هرچه» و از ادوات جازمه هست و بر سر دو جمله میاد و هر دو رو مجزوم میکنه.

حالا این‌جا کدوم حالتشه؟ اسم شرط. پس جاهای خالی مربوط میشه به فعل شرط و جواب شرط که هر دو مجزوم هستن. تنها فعل‌هایی که درست درمون مجزوم شدن فعل‌های گزینه‌ی (۲) هستن. همچنین با توجه به «ک» در «علیک» به صیغه‌ی للمخاطب نیاز داریم. حواستون هم باشه که فعل شرط و جواب شرط اغلب از نظر زمان، شخص و تعداد با هم مطابقت دارن.

۲۱- گزینه‌ی «۱» جای خالی باید با چی پر بشه؟ با فعل صیغه‌ی للمخاطب که فقط با گزینه‌ی (۱) هم‌خوانی نداره. از کجا فهمیدیم؟ از «اَيُّهَا التَّلْمِيذُ»

## زمان فعل

● فعل از نظر زمان ۳ جور: ۱- ماضی ۲- مضارع ۳- امر

### فعل ماضی

به انجام کار یا روی دادن حالتی در گذشته دلالت داره و با توجه به معنی فارسی اون به انواع زیر تقسیم میشه:

① ماضی ساده: به همون صرف معمولی چهارده صیغه‌ی فعل ماضی میگن. مثل: «ضَرَبَ»، «ضَرَبَا»، «ضَرَبُوا» و ...

🔍 توجه: گاهی اوقات فهمیدن این نکته که فعل، ماضی و نباید به صورت دیگه ترجمه بشه ما رو به پاسخ صحیح میرسونه.

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «هَيَّا التَّلْمِيذُ نَفْسَهُ لِمَتْحَانِ نِهَايَةِ السَّنَةِ وَ لِهَذَا قَامَ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ الدَّرْسِيَّةِ».

(۱) دانش‌آموز خودش را برای امتحانات آخر سال آماده می‌کرد بنابراین به ادای تکالیفش پرداخت.

(۲) شاگرد برای آزمایش پایان سال مهیا شده بود لذا خودش برای انجام تکالیف به‌پاخواست.

(۳) دانش‌آموز خودش را برای امتحان آخر سال آماده کرد و به این خاطر به انجام تکالیف‌های درسی‌اش پرداخت.

(۴) دانش‌آموز برای آماده نمودن خویش جهت امتحان پایانی اقدام به انجام تکالیف درسی خود کرد.

گزینه‌ی «۳» صرف‌نظر از اشتباهات دیگه‌ای که در گزینه‌ها وجود داره، اگه فقط به فعل «هَيَّا» (آماده کرد) دقت کنیم می‌بینیم که فقط گزینه‌ی (۳) اونو درست ترجمه کرده.

② ماضی منفی: به دو شکل ساخته میشه:

۱- ما + فعل ماضی ← ما خَرَجُوا: خارج نشدند

۲- لم + فعل مضارع ← لم يَخْرُجُوا: خارج نشدند

🔍 توجه: «لم» از حروف جازمه هست و آخر فعل مضارع رو مجزوم میکنه و به این خاطر هست که نون «يَخْرُجُونَ» حذف شده (يَخْرُجُونَ ← لَمْ يَخْرُجُوا)

از توضیح بالا متوجه میشیم که «ما + فعل ماضی» از نظر ترجمه‌ی فارسی با «لم + فعل مضارع» تفاوتی نداره یعنی درسته که در زبان عربی، اولی فعل ماضی و دومی فعل مضارع هست ولی معنایشون با هم یکیه.

ما + فعل ماضی = لَمْ + فعل مضارع (از نظر معنا)

أَيُّ مَخْتَارِ مَعْنَاهُ يُعَادِلُ فِعْلَ «لَمْ نَسْمَعْ»؟

(۴) لَنْ نَسْمَعَ

(۳) لَا نَسْمَعُ

(۲) مَا سَمِعْنَا

(۱) لَمَّا نَسْمَعُ

گزینه‌ی «۲» همون‌طور که گفتیم «ما + فعل ماضی» هم‌معنی «لم + مضارع» هست.



**نکته:** مضارع مجزوم به حرف «لم» علاوه بر ماضی ساده‌ی منفی به صورت ماضی نقلی منفی هم میتونه ترجمه بشه،

مثال: لَمْ يَأْكُلْ نخورده است  
نخورد

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَسْمَحْ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَتْرَكَ الدُّنْيَا بِذَرِيْعَةِ الْوَصُولِ إِلَى الْعَقْبِيِّ.» (سراسری هنر ۸۶)

- ۱) مسلماً خداوند به بشر اجازه نخواهد داد که دنیا را به نیت دست‌یابی به جهان آخرت رها کند.
  - ۲) خدا به انسان هرگز اجازه نمی‌دهد که دنیا را به خاطر وصول به جهان آخرت ترک گوید.
  - ۳) خدا به انسان‌ها هرگز اجازه نخواهد داد که برای رسیدن به قیامت از دنیا دست بکشند.
  - ۴) قطعاً خداوند به انسان اجازه نداده است که دنیا را به بهانه‌ی رسیدن به آخرت ترک کند.
- گزینه‌ی «۴» مضارع مجزوم به «لم»، یا به صورت ماضی منفی و یا به صورت ماضی نقلی منفی ترجمه میشه و فقط گزینه‌ی «۴» فعل «لَمْ يَسْمَحْ» رو به صورت ماضی ترجمه کرده.

۳) ماضی نقلی مثبت: با اومدن حرف «قد» بر سر فعل ماضی ساخته میشه.

مثال: «قَدْ عَلِمَ»: دانسته است / «قَدْ أَرْسَلْنَا»: فرستاده‌ایم

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «قَدْ تَزَيَّنَتِ الْأَرْضُ فِي الرَّبِيعِ فَبَتَّهِجُ عَيْونَنَا لَمَّا نَظَرْنَا إِلَيْهَا» (سراسری تهری ۸۶)

- ۱) زمین در بهار آراسته گشته لذا هنگامی که به آن می‌نگریم چشمان ما شاد می‌گردد.
  - ۲) زمین در بهار تزیین گشته لذا چشم ما را در زمان نگرستن به آن به وجد می‌آورد.
  - ۳) در فصل بهار زمین خود را مزین می‌کند لذا زمانی که به آن نگاه می‌کنیم چشم‌ها به وجد می‌آید.
  - ۴) در هنگام بهار زمین خود را می‌آراید لذا هنوز به آن نگاه نینداخته‌ایم که چشمانمان شاد می‌شود.
- گزینه‌ی «۱» تنها گزینه‌های (۱) و (۲) ترکیب «قَدْ تَزَيَّنَتِ» رو به صورت ماضی نقلی ترجمه کرده‌اند که البته گزینه‌ی (۲) هم به دلایل مختلف، از جمله این‌که «عیون» به معنی «چشمان» رو مفرد ترجمه کرده، اشتباه.

**نکته:** ترکیب «قد + فعل ماضی» ممکنه به صورت ماضی ساده ترجمه بشه و یا بالعکس؛ یعنی فعل ماضی ساده به صورت ماضی نقلی ترجمه بشه.

مثال: «تَحَدَّثَ الْمَسْلُومُونَ فِي تَأْلِيفَاتِهِمْ الْعِلْمِيَّةِ حَوْلَ مَسَائِلَ عَدِيدَةٍ»: مسلمانان در تألیفات علمی خود درباره‌ی مسائل متعددی سخن گفته‌اند.

**نکته:** اگه حرف «قد» با فعل مضارع بیاد، فعل مضارع رو باید با کلماتی نظیر: «گاهی اوقات»، «به‌ندرت» و «بعضی وقت‌ها» ترجمه کنیم.

مثال: «قَدْ يَلْعَبُ الْوَلَدُ مَعَ أَسْدِقَائِهِ فِي الْحَدِيقَةِ الْعَامَّةِ»: گاهی اوقات کودک با دوستانش در پارک شهر بازی می‌کند.

«الطَّالِبُ قَدْ كَتَبَ آيَةَ كَرِيمَةً عَلَى اللَّوْحِ»: دانش‌آموز آیه‌ی کریمه بر روی تابلو نوشت.

۴) ماضی نقلی منفی: اگه حرف جازم «لَمَّا» بر سر فعل مضارع بیاد و آخر فعل رو مجزوم کنه، فعل مضارع به صورت ماضی نقلی منفی

ترجمه میشه.

مثال: «لَمَّا يَذْهَبُ»: (هنوز) نرفته است / «لَمَّا يَأْكُلُوا»: (هنوز) نخورده‌اند

**نوحه:** همون‌طور که از دو مثال بالا مشخصه، در ترجمه‌ی مضارع مجزوم به «لَمَّا»، میشه از کلمه‌ی «هنوز» استفاده کرد.

**نوحه:** قبلاً گفتیم که مضارع مجزوم به «لم» رو هم میتونیم ماضی نقلی منفی ترجمه کنیم. ولی در ترجمه‌ی اون «هنوز» رو نمیشه به کار

برد. مثال: «لَمَّا يَلْعَبُ» / «لَمْ يَلْعَبْ»: بازی نکرد یا بازی نکرده است (اما ترجمه‌ی «هنوز بازی نکرده است» در این‌جا غلطه).

**فوجه:** از توضیحات بالا نتیجه می‌گیریم که حروف جازمه‌ی «لَمْ» و «لَمَّا» معنی فعل مضارع رو به ماضی تبدیل می‌کنند.

**نکته:** اگه «لَمَّا» بر سر فعل ماضی بیاد و یا بر سر فعل مضارع بیاد اما آخر اون رو مجزوم نکنه، دیگه «لَمَّا» حرف جازم نیست

بلکه اسم و نقش مفعول‌فیه داره و به صورت «هنگامی‌که، وقتی‌که، زمانی‌که، چون‌که، و ...» ترجمه میشه.

مثل: «لَمَّا كَتَبْتُ وظائفی خرجتُ مِنَ المنزل»: وقتی تکالیفم را نوشتم از منزل خارج شدم.

«تَبَهَّجُ عيوننا لَمَّا نَنظُرُ إِلَى الارضِ فِي الرَّبِيعِ»: هنگامی‌که در بهار به زمین نگاه می‌کنیم چشمانمان، شاد می‌گردد.

#### عَيْنُ الصَّحِيح:

(۱) لَمْ أَشَارِكُ فِي مسابقات رياضية فِي مجال الفز: در مسابقات ورزشی در زمینه‌ی پرش شرکت نمی‌کنم.

(۲) إِنِّي قَدْ شَعَرْتُ بِأَنَّ صديقي العزيز يُعاني شيئاً: من احساس کرده‌ام که دوست عزیزم از چیزی رنج می‌برد.

(۳) إِنَّ أَبِي لَمْ يَسْمَحْ لِأخِي أَنْ يترك بلادنا بذريعة الوصول إلى الدرجات العلمية: پدرم به برادرم اجازه نخواهد داد که کشورمان را به بهانه‌ی رسیدن به درجات علمی ترک کند.

(۴) علينا أَنْ نساعدَ الفقيرَ لَمَّا نُشاهدُه جائعاً: ما باید به فقیر کمک کنیم در حالی که هنوز او را گرسنه ندیده‌ایم.

**گزینه‌ی (۲):** بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): مضارع مجزوم به «لَمْ» معنی ماضی ساده‌ی منفی یا ماضی نقلی منفی می‌دهد («لَمْ أَشَارِكُ»: شرکت نکردم یا شرکت نکرده‌ام).

گزینه‌ی (۳): مضارع مجزوم به «لَمْ» معنی ماضی ساده‌ی منفی یا ماضی نقلی منفی می‌دهد («لَمْ يَسْمَحْ»: اجازه نداد یا اجازه نداده است).

گزینه‌ی (۴): چون «لَمَّا» فعل «نُشاهدُه» رو مجزوم نکرده، مفعول‌فیه و معنی «هنگامی‌که، وقتی‌که و ...» می‌دهد و فعل مضارع در این حالت همون مضارع ترجمه میشه نه ماضی منفی و دیگه نیازی هم به قید «هنوز» نیست.

**۵ ماضی بعید:** اگه فعل ناقص «كان» رو با فعل ماضی به‌کار ببریم چه بین اونا حرف «قد» بیاریم چه نیاریم، ماضی بعید ترجمه

میشه. مثل: كُنْتُ (قد) فَهَمْتُ: فهمیده بودم / كانوا (قد) خَرَجُوا: خارج شده بودند

#### عَيْنُ الْخَطَأ:

(سراسری هنر ۸۶)

(۱) رئیس شرکت ما تصمیم گرفته بود: کانت رئیسة شرکتنا قد عزمت،

(۲) همه‌ی کارمندان زن و مرد را امتحان کند: أَنْ تَمْتَحِنَ جميعَ الموظفين والموظفین،

(۳) و من ترسیدم که نتوانم: و كنتُ قد خفتُ أَنِّي لم أقدر،

(۴) از جلسه‌ی امتحان موفق و سربلند بیرون بیایم: أَنْ أَخْرَجَ مِنْ جِلْسَةِ الامتحان موفقة مرفوعة الرأس.

**گزینه‌ی (۳):** «ترسیدم» فعل ماضی (خَفْتُ) در حالی‌که به صورت ماضی بعید «كنتُ قد خفتُ» به معنی «ترسیده بودم» تعریب شده.

**نکته:** اگه دو جمله‌ی مرتبط با هم، پشت سر هم بیان و فعل هر دو جمله ماضی باشه، فعل ماضی جمله‌ی دوم به صورت ماضی بعید

ترجمه میشه.

مثل: «ساعتتُ أحداً رأيتُهُ فِي مدينتي مِنْ قَبْلِ»: به فردی کمک کردم که قبلاً او را در شهرم دیده بودم.

ماضی ماضی



عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «زَرْتُ صَدِيقَتِي الَّتِي لَمْ تُشْفَ مِنْ مَرَضِهَا، ثُمَّ خَرَجْتُ سَرِيعاً لِتَسْتَرِيحٍ.» (سراسری ریاضی ۸۴)

(۱) دوستی را که مرضی او معالجه نشده بود زیارت کردم و بعد از رفتن من استراحت کرد.

(۲) رفیقم را که از مرض خود شفا یافته بود ملاقات کردم و برای راحتی او شتابان خارج شدم.

(۳) از دوستم دیدن کردم، همان که از بیماری شفا نیافته است.

(۴) دوستم را که از بیماری‌اش بهبودی نیافته بود ملاقات کردم پس فوراً بیرون رفتم تا استراحت کند.

گزینه‌ی «۴» فعل جمله‌ی اول «زَرْتُ» ماضی و «لَمْ تُشْفَ»، مضارع مجزوم که باید به صورت ماضی منفی معنی بشه، اما چون بعد از به فعل ماضی دیگه اومده به صورت ماضی بعید منفی ترجمه میشه (شفا نیافته بود).

۶ ماضی استمراری: اگه فعل ناقصه‌ی «کان» با فعل مضارع به کار بره، به صورت ماضی استمراری ترجمه میشه.  
مثل: «كانوا يضحكون»: می‌خندیدند / «كنتم تدهبون»: می‌رفتید

عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «كَانَ النَّبِيُّ (ص) لَا يَدْعُ التَّأَكِيدَ عَلَى احْتِرَامِ الصَّغَارِ وَالْأَطْفَالِ أَبَدًا» (سراسری تهری ۱۵)

(۱) نبی اکرم (ص) تأکید بر احترام به کوچک‌ترها و کودکان را ابداً رها نکرده بود.

(۲) پیامبر (ص) تأکید بر احترام گذاشتن به کودکان و اطفال را هرگز ترک نمی‌کرد.

(۳) هرگز رسول الله (ص) تأکید بر محترم شمردن اطفال و کودکان را بی‌ارزش نمی‌شمرد.

(۴) پیامبر اکرم (ص) هیچ‌گاه تأکید بر احترام کردن کودکان و فرزندان کوچک‌تر را وانگذاشت.

گزینه‌ی «۲» با توجه به ترکیب «کان ... لا يدع» که باید به صورت ماضی استمراری ترجمه بشه، گزینه‌های (۱) و (۴) رد میشن و گزینه‌ی (۳) هم که فعل «تأکید نمی‌کرد» رو به‌اشتباه «بی‌ارزش نمی‌شمرد» آورده، غلطه.

**نکته:** اگه دو جمله‌ی مرتبط با هم، پشت سر هم بیان و فعل جمله‌ی اول ماضی و فعل جمله‌ی دوم مضارع باشه، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه میشه.

مثل: «رَأَيْتُ التَّلَامِيذَ الَّذِينَ يَخْرُجُونَ مِنْ صَفْوَفِهِمْ»: دانش‌آموزانی را دیدم که از کلاس‌هایشان خارج می‌شدند.

#### عَيْنَ الْخَطَأِ:

(۱) ان التَّدْبِرَ فِي آيَاتِ اللَّهِ يَغَيِّرُ اسْلُوبَ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ: اندیشیدن در نشانه‌های خداوند شیوه‌ی زندگی انسان را دگرگون می‌سازد.

(۲) أَيَّامَ الرَّبِيعِ تُعْرَدُ الْبَلَابِلُ فِي غَابَاتِ مَازَنْدَرَانَ الْجَمِيلَةِ: در روزهای بهار، بلبلان در جنگل‌های زیبای مازندران آواز می‌خوانند.

(۳) فَتَشَتْ عَنْ كِتَابٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ الْمَطَالِبِ: به دنبال کتابی گشتم که مرا در فهم مطالب کمک می‌کند.

(۴) الْمَجَاهِدُونَ يُدَافِعُونَ عَنْ وَطَنِهِمْ فِي سَاحَاتِ الْقِتَالِ: رزمندگان از وطنشان در میدان‌های جنگ دفاع می‌کنند.

گزینه‌ی «۳» با توجه به این‌که فعل جمله‌ی اول، ماضی و فعل جمله‌ی دوم، مضارع هست؛ فعل مضارع باید به صورت ماضی استمراری ترجمه بشه (کمک می‌کرد).

**توجه:** همه‌ی فعل‌های ماضی رو میشه با قرار دادن حرف «ما» بر سرشون منفی کرد.

مثل: «مَا كُنْتُ رَأَيْتُهُ مَسْرُورًا»: او را خوشحال ندیده بودم.

«مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ الْحَقِيقَةَ» (كانوا لا يعلمون الحقيقة): حقیقت را نمی‌دانستند.

«مَا نَجَحَ التَّلْمِيذُ فِي الْإِمْتِحَانِ»: دانش‌آموز در امتحان موفق نشد.

**نکته:** اگه بعد از فعل ناقصه‌ی «کان»، بلافاصله فعل (ماضی یا مضارع) بیاد، «کان» باید با فعل بعد از خودش هم از نظر جنس و هم از نظر عدد مطابقت کنه (کان يذهب، كانا يذهبان، كانوا يذهبون و ...) ولی اگه بین «کان» و فعل بعدش، اسم بیاد، «کان» فقط از نظر جنس با فعل بعد از خودش مطابقت میکنه و از نظر عدد مطابقت نمیکنه یعنی برای تمام صیغه‌ها به صورت مفرد میاد. (کان التلميذان يذهبان، كانت التلميذتان يذهبان، كانت التلميذات يذهبن و ...)

## عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) كُنْتُ قَدْ ذَهَبْنَا إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ  
 (۲) كَانُوا التَّلَامِيذَ يَلْعَبُونَ مَعَ اَصْدِقَائِهِمْ فَرِحِينَ  
 (۳) كُنْ قَدْ خَرَجْتَ مِنْ حَفْلَةِ التَّكْرِيمِ بِسُرْعَةٍ  
 (۴) كَانَتِ الْمَرَضَاتُ الْمُؤْمَنَاتُ يَسْهَرْنَ اللَّيَالِي

**گزینه‌ی «۴»** در گزینه‌های (۱) و (۳) فعل بعد از «کان» با اون مطابقت ندارد و صحیح این گزینه‌ها به ترتیب «كُنْتُ قَدْ ذَهَبْتُ» (كُنَّا قَدْ ذَهَبْنَا) و «كُنْ قَدْ خَرَجْتَ» (كُنْتَنَّ قَدْ خَرَجْتَنَّ) هست. در گزینه‌ی (۲) هم، چون یک اسم بین «کان» و فعل بعد از اون فاصله انداخته، «کان» باید به شکل مفرد بیاید. پس صحیح این گزینه هم «كَانَ التَّلَامِيذُ يَلْعَبُونَ» (التَّلَامِيذُ كَانُوا يَلْعَبُونَ) هست.

## فعل مضارع

به انجام کار یا روی دادن حالتی در حال و آینده دلالت دارد و با توجه به معنی فارسیش به انواع زیر تقسیم می‌شود.

- ① **مضارع ساده یا اخباری:** به همون صرف معمولی چهارده صیغی فعل مضارع می‌گن: يَذْهَبُ، يَذْهَبَانِ، يَذْهَبُونَ، تَذْهَبُ، تَذْهَبَانِ و ...  
 گاهی اوقات توجه به همین نکته که فعل جمله، مضارع هست و نباید به صورت دیگه‌ای ترجمه بشه ما رو به پاسخ صحیح می‌رسونه.

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «يُؤَكِّدُ فِي الْقُرْآنِ أَنَّ مِنْ وَاجِبِنَا السَّعْيَ فِي سَبِيلِ الْإِسْتِفَادَةِ الصَّحِيحَةِ مِنَ النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ لِلسَّيْرِ نَحْوَ الْكَمَالِ»

(سراسری تهرپی ۱۷)

- (۱) قرآن به ما تأکید می‌کند که از وظایف ما سعی و کوشش در راه‌های استفاده از موهبت‌های الهی و تحرک به سمت کمال می‌باشد.  
 (۲) در قرآن تأکید می‌شود که سعی و کوشش در راه استفاده صحیح از نعمت‌های الهی برای حرکت به سوی کمال بر ما لازم است.  
 (۳) تأکید قرآن این است که بر ما لازم است که در راه کاربرد صحیح نعمت‌های الهی و تحرک به سوی کمال سعی کنیم.  
 (۴) در قرآن تأکید شده است که از واجبات ما تلاش در مسیر کاربرد صحیح از نعمت‌های الهی و حرکت به سوی کمال می‌باشد.  
**گزینه‌ی «۲»** اگه به فعل «يُؤَكِّدُ» که فعل مضارع مجهول دقت کنیم، می‌بینیم که فقط گزینه‌ی (۲) میتونه صحیح باشه، چون گزینه‌ی (۱) اونو به صورت مضارع معلوم (تأکید می‌کند) ترجمه کرده و گزینه‌های (۳) و (۴) هم که اصلاً اونو به صورت مضارع ترجمه نکردن.

- ② **مضارع منفی:** برای به‌دست اومدن چنین فعلی کافیه حرف نفی «لا» رو بر سر فعل مضارع قرار بدیم.

مثل: «لَا يَقُولُ»: نمی‌گوید / «لَا يَتَكَوَّنُ»: تشکیل نمی‌شود / «أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَعَّرَ اللَّهُ الشَّيْطَانَ بِتَكْبِيرِهِ؟!»: آیا نمی‌بینید چگونه خداوند شیطان را به‌خاطر تکبرش، کوچک ساخت؟!.

«أَعْتَقِدُ أَنَّ النَّاسَ لَا يَفُوزُونَ فِي حَيَاتِهِمْ إِلَّا بِالْمَجْدَيْنِ مِنْهُمْ»:

- (سراسری تهرپی ۱۵)  
 (۱) بر این باورم که انسان‌های کوشا در زندگی خود موفق هستند.  
 (۲) معتقدم که فقط مردمان کوشا در زندگی خویش موفق می‌شوند.  
 (۳) اعتقاد دارم که در زندگی خویش جز تلاشگران از مردم، پیروز نمی‌شوند.  
 (۴) بر این عقیده‌ام که فقط انسان‌های تلاشگر در زندگی برنده خواهند شد.  
**گزینه‌ی «۳»** «لَا يَفُوزُونَ» فعل مضارع منفی هست و تنها گزینه‌ای که اونو به صورت مضارع منفی ترجمه کرده همین گزینه‌ی (۳) هست ضمن این‌که «انسان‌های کوشا»، «مردمان کوشا» و «انسان‌های تلاشگر» در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) ترکیب وصفی هستن که معادلی در عبارت عربی ندارن.

- ③ **مضارع مستقبل مثبت:** اگه یکی از حروف «س» یا «سوف» به ابتدای فعل مضارع اضافه بشن، فعل مضارع معنی آینده‌ی مثبت می‌ده.

مثل: «سَيَرْجِعُ»: باز خواهد گشت / «سَوْفَ يَذْهَبُ»: خواهد رفت / «سَنَذْهَبُ مَعَ اَصْدِقَائِي إِلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ»: با دوستانم به ساحل دریا خواهیم رفت.

**نکته:** حرف «س» برای آینده‌ی نزدیک و «سوف» برای آینده‌ی دور به کار میره.

«المؤلفات الاسلامیة فی هذه السنّة سیزیدُ عددُها أكثر من مأتین»  
 (سراسری ریاضی ۱۸)  
 ۱) امسال تألیفات اسلامی به بیش از دویست تا افزایش پیدا خواهد کرد.  
 ۲) امسال زنان مؤلف اسلامی افزون بر دویست تألیف دارند.  
 ۳) در این سال تألیفات اسلامی بالغ بر یکصد تألیف است.  
 ۴) در این سال تألیفات اسلامی، بیش از یکصد عدد خواهد شد.  
**گزینه‌ی «۱»** گزینه‌های (۱) و (۴) فعل «سیزیدُ» رو به صورت آینده‌ی مثبت ترجمه کردن، پس گزینه‌های (۲) و (۳) رد میشن، ولی با توجه به این که «مأتین» مثنی و به معنی «دویست» هست گزینه‌ی (۴) هم رد میشه.

۴) **مضارع مستقبل منفی:** فعل مضارعی که حرف ناصبه‌ی «لن» بر سرش اومده به صورت آینده‌ی منفی ترجمه میشه.  
 مثل: «لن ینجح»: (هرگز) موفق نخواهد شد. / «لن تُسافر»: (هرگز) مسافرت نخواهیم کرد.  
**توجه:** در ترجمه‌ی مضارع منصوب به «لن» گاهی از قید منفی «هرگز» استفاده میشه که البته آوردنش در ترجمه اجباری نیست.  
 مثل: «لن ننسی حفلة تکریم الطلاب المجتهدین»: جشن بزرگداشت دانش‌آموزان تلاش‌گر را (هرگز) فراموش نخواهیم کرد.

عین الصحیح فی الترجمة: «لن نسمح للمستکبرین أن یدخلوا فی شؤوننا الاجتماعیة و السیاسیة»  
 (سراسری ریاضی ۱۵)  
 ۱) اجازه‌ی دخالت در امور جامعه و در سیاست خود را به مستکبران نمی‌دهیم.  
 ۲) به مستکبران اجازه نخواهیم داد که در امور اجتماعی و سیاسی ما وارد شوند.  
 ۳) به استکبارگران اجازه نمی‌دهیم که در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی ما داخل شوند.  
 ۴) سخن مستکبران را دایر بر این که در کارهای اجتماعی و سیاسی ما مداخله کنند، نمی‌شنویم.  
**گزینه‌ی «۲»** تنها گزینه‌ای که فعل «لن نسمح» رو به صورت آینده‌ی منفی ترجمه کرده همین گزینه هست.

۵) **مضارع التزامی:** مواردی که فعل به شکل مضارع التزامی فارسی ترجمه میشه:  
 ۱- فعل مضارعی که با یکی از حروف ناصبه بیاد: «أن»، که، این که، «کی»، «تا»، تا این که، «اذن»: بنابراین، «حتی»: تا، تا این که و «لی»: برای این که، تا  
 مثل: «أن یخرج»: که خارج بشود. / «حتی یدهبوا»: تا این که بروند. / «لیستقیظوا»: تا بیدار شوند. (با فعل مضارع منصوب در بخش اعراب فعل مضارع بیشتر آشنا میشیم)  
 «أراد رئیسهم أن یمزقها ولكن الغزالی منعه»: رئیسشان خواست که آن‌ها (وراق) را پاره کند ولی غزالی مانع او شد.

عین الصحیح فی الترجمة: «یجب علینا أن نطهر قلوبنا من التشاؤم حتی نری جمال الحقیقة»  
 (سراسری تبری ۱۵)  
 ۱) بر ماست پاکیزه کردن قلب‌ها از بدی، تا زیبایی حق را نظاره کنیم.  
 ۲) ما باید دل‌هایمان را از بدبینی پاک کنیم تا زیبایی حقیقت را ببینیم.  
 ۳) بر ماست که دل‌هایمان از بدبینی پاک شود تا جمال حقیقی را مشاهده کنیم.  
 ۴) پاکیزگی قلوب از امور شوم را بر ما واجب کرده‌اند تا شاید زیبایی حقیقت را بنگریم.  
**گزینه‌ی «۲»** فعل‌های «أن نطهر» به معنی «پاک کنیم» و «حتی نری» به معنی «تا ببینیم» که مضارع منصوب هستن، فقط در گزینه‌ی (۲) هر دو به صورت مضارع التزامی ترجمه شدن.

۲- فعل امر غایب و متکلم یا امر به «لِ»

**توجه:** برای ساختن امر غایب و متکلم، حرف «لِ» رو بر سر شش صیغه‌ی مضارع غایب و یا دو صیغه‌ی مضارع متکلم قرار میدیم و آخر فعل رو مجزوم می‌کنیم. مثل: «لِيَأْكُلُوا»: باید بخورند / «لِيَسْمَعُ»: باید بشنود / «لِيَعْلَمَ الطَّلَابُ أَنَّ النَّجَاحَ فِي الْإِجْتِهَادِ لَا فِي التَّكَاثُلِ»: دانش‌آموزان باید بدانند که موفقیت در تلاش است نه در تنبلی.

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «التَّلَامِيذُ لِيَتَكَلَّمُوا مَعَ مُعَلِّمِهِمْ حَوْلَ مَشَاكِلِهِمُ الْمَدْرَسِيَّةِ دَائِمًا»: دانش‌آموزان ...

- (۱) باید همیشه با معلمشان درباره‌ی مشکلات مدرسه‌ای خود صحبت کنند.
- (۲) همیشه درباره‌ی مشکلات درسی خود با معلم مدرسه صحبت می‌کنند.
- (۳) دائماً با معلمان خود در مورد مسائل درسی مدرسه صحبت کرده‌اند.
- (۴) اغلب با معلم‌های مدرسه در زمینه‌ی سختی‌های درس حرف زده بودند.

**گزینه‌ی «۱»** «لِيَتَكَلَّمُوا» امر غایب هست و باید به‌صورت مضارع التزامی ترجمه بشه و تنها گزینه‌ای که این فعل رو درست و حسابی ترجمه کرده همین گزینه‌ی (۱) هست.

**نکته:** از کجا بدونیم که حرف لام (لِ) در ابتدای فعل‌هایی مثل: «لِيَعْمَلُوا»، «لِيَذْهَبْنَ»، «لِيَخْرُجَا» و ... لام امر غایب (لام جازم) و یا لام از حروف ناصبه هست؟ «لام» امر غایب (لام جازم) اول جمله یا بعد از حروف «و، ف، ثم» و یا بعد از فعل «قال» و مشتقات اون میاد ولی «لام» ناصب وسط جمله به‌کار میره.

مثل: «قال المعلم: ليخرج التلاميذ من الصف»: معلم گفت: دانش‌آموزان باید از کلاس خارج شوند. / «فليتوكل المؤمنون على الله»: مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند. / «يُرى الظالمون أنفسهم قادرين على كل شيء ليستثمروا الآخريين»: ظالمان خود را بر (انجام) هر چیزی توانا نشان می‌دهند تا دیگران را استثمار کنند.

(سراسری ریاضی ۸۷)

عَيْنُ حَرْفِ اللّامِ الْجَازِمَةِ:

- (۱) لِيَعْتَمِدَ الْمُؤْمِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحَاكِ الْآخِرِينَ
- (۲) أَسَافِرُ إِلَى ذَلِكَ الْبَلَدِ لِأَفْتَشُ عَنْ مَوْضِعِ مَهْمٍ
- (۳) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُؤْمِنُوا بِهِ وَبِرَسُولِهِ
- (۴) لَا تَتَّبِعِ الْمَحَاصِلَ لِتَزِدَّ ثَرَوَتَكَ

**گزینه‌ی «۱»** زیرا لام (لِ) در این گزینه بر سر فعل مضارع و در اول جمله اومده ولی در سایر گزینه (لِأَفْتَشُ، لِيُؤْمِنُوا، لِتَزِدَّ) در وسط جمله اومده.

**توجه:** «لام» امر غایب اگه بعد از حروف «و، ف» بیاد ساکن میشه. مثل: «فَلْيُؤْمِنْ»، «وَلْيُقَاتِلْ»

۳- در جمله‌های شرطی، فعل شرط (فعل جمله‌ی اول) چه ماضی باشه چه مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه و فعل جواب شرط (فعل جمله‌ی دوم) هم چه ماضی و چه مضارع، به صورت مضارع اخباری یا آینده ترجمه میشه. مثل: «إِنْ تَتَّعَجَلْ تَصِلْ إِلَى أَهْدَافِكَ السَّامِيَةِ»: اگر شتاب کنی به هدف‌های والایت می‌رسی (خواهی رسید).

(سراسری انسانی ۸۳)

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «إِنْ تَشَاهَدَ الْمَكَانَةَ الرَّفِيعَةَ لِلْعُلَمَاءِ تَعَزَّمْ عَلَى تَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَالتَّقَدُّمِ فِيهَا»

- (۱) موقعی که مقام بلند عالمان را دریافتی، قصد یادگیری علوم و پیشروی در آن‌ها را خواهی کرد.
- (۲) اگر جایگاه بلند دانشمندان را مشاهده کنی، نسبت به یادگیری علوم و پیشرفت در آن‌ها مصمم می‌شوی.
- (۳) هنگامی که مقام شامخ اندیشمندان را دیدی، بر فراگیری دانش‌ها و پیشرفت در آن‌ها عزم و همت کن.
- (۴) در صورتی که موقعیت والای بزرگان را مشاهده کردی، در فراگرفتن علم و پیشرفت در آن اراده کن.

**گزینه‌ی «۲»** علاوه بر اشتباهات دیگه‌ای که در سایر گزینه‌ها هست، تنها گزینه‌ای که فعل شرط «تُشَاهِدُ» رو به صورت مضارع التزامی ترجمه کرده، گزینه‌ی (۲) هست.

۴- اگه خبر «لیت» به معنی «ای کاش» و «لَعَلَّ» به معنی «شاید»، به فعل مضارع باشه، التزامی ترجمه کردنش واجبه.

مثل: «لَيْتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقِرُّ بَيْنَ النَّاسِ»: ای کاش دوستی میان مردم استقرار یابد.

«لَعَلَّ صَدِيقِي يَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ»: شاید دوستم به بازار برود.

عَيْنِ الصَّحِيح:

(۱) لیت مُعَلِّمِي يَحْسِبُنِي طَالِبًا مَجْدًا: ای کاش معلمم مرا دانش‌آموز کوشایی به حساب می‌آورد.

(۲) لَعَلَّ الْمُسْلِمِينَ يَجِدُّونَ الْمَجْدَ وَالْعِزَّةَ: شاید مسلمانان شکوه و عزت را احیا کنند.

(۳) لَعَلَّ وَصَايَا الشَّهَدَاءِ تَكُونُ مَصْبَاحًا لِلْآخِرِينَ: ای کاش وصیت‌های شهیدان چراغی برای دیگران بود.

(۴) لَيْتَ الْأُمَّةَ الْإِسْلَامِيَّةَ تَتَّحِدُ فِي الْعَالَمِ: کاش امت اسلامی در جهان با یکدیگر متحد می‌شدند.

گزینه‌ی «۲» زیرا گزینه‌های دیگه فعل مضارع بعد از «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» رو به صورت مضارع التزامی ترجمه نکردن. ضمن

این‌که «لَعَلَّ» در گزینه‌ی (۳) معنی «شاید» میده نه «ای کاش».

۵- فعل‌هایی که برای دعا کردن یا نفرین کردن به کار میرن و یا به اموری دلالت دارن که قراره در آینده اتفاق بیفته به صورت

مضارع التزامی ترجمه میشن. (البته این افعال در عربی عموماً به صورت ماضی به کار میرن). مثل: «عاشَ مولانا الأسد»: سرور ما

شیر زنده باد. / «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ»: دستان ابی لهب بریده باد. / «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»: هنگامی که خورشید بی‌فروغ شود.

۶- اگه یه فعل مضارعی بعد از یه فعل امر یا نهی بیاد؛ اولاً: فعل مضارع، مجزوم میشه. ثانیاً: به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه.

در این حالت به فعل امر یا نهی، فعل طلبی و به فعل مضارع مجزوم، جواب طلب میگن.

مثل: «وَاحْضِلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»: و گره از زبانت باز کن تا سختم را بفهمند.

فعل امر مضارع مجزوم

أدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

فعل امر مضارع مجزوم

«لَا تَكْذِبْ يُحِبِّبِكَ اللَّهُ»: دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد.

فعل نهی مضارع مجزوم

۷- اگه دو جمله‌ی مرتبط به هم پشت سر هم بیان و فعل هر دو مضارع باشه، فعل مضارع دوم رو به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.

مثل: «أَفْتَشُّ عَنْ أَحَدٍ يُسَاعِدُنِي فِي دَرُوسِي»: به دنبال فردی می‌گردم که مرا در درس‌هایم یاری کند.

مضارع مضارع

عَيْنِ الْخَطَأ:

(۱) إِشْتَرَيْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ عِنْدَ مُعَلِّمِي: کتابی را خریدم که آن را نزد معلمم دیده بودم.

(۲) وَفَقَّكَ اللَّهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ: خداوند، تو را در همه‌ی کارهایت موفق کند.

(۳) أَسَاعِدُ شَخْصًا يُرَبِّي أَوْلَادِي: شخصی را کمک می‌کنم که فرزندانش را تربیت می‌کرد.

(۴) لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَسْتَيْقِظُونَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ: ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند.

گزینه‌ی «۳» فعل مضارع «يُرَبِّي» در جمله‌ی دوم چون بعد از فعل مضارع «أَسَاعِدُ» اومده باید به صورت مضارع التزامی

ترجمه بشه (تربیت کند).

## فعل امر

● فعل امر یا مثبت یا منفی (فعل نهی).

امر مثبت: که خودش به دو صورت حاضر و غایب - متکلم تقسیم میشه.

امر غایب و متکلم: در موردش قبلاً توضیح دادیم و گفتیم که معمولاً اول جمله میاد.

امر حاضر (مخاطب): از شش صیغه‌ی فعل مضارع مخاطب به شکل زیر ساخته میشه:

۱- حرف مضارعة «ت» رو برمی‌داریم.

۲- اگه بعد از برداشتن «ت» حرف بعدی حرکت داشته باشه، آخر فعل رو مجزوم می‌کنیم و فعل امر ساخته میشه.

مثل: تُسَاعِدُونَ ← سَاعِدُوا / تَتَعَلَّبُونَ ← تَعَلَّبُوا

۳- وقتی پس از حذف «ت» حرف بعدی ساکن «ه» داشته باشه یک همزه (أ) قبل از حرف ساکن قرار میدیم و حرکت این همزه رو

هم به این شکل تعیین می‌کنیم: اگه عین‌الفعل (دومین حرف اصلی فعل) ضمه (ُ) داشته باشه، همزه رو مضموم و اگه فتحه (َ) یا

کسره (ِ) داشته باشه همزه رو مکسور می‌کنیم و آخر فعل رو هم که باید مجزوم کنیم.

مثل: تَذْهَبُ ← اِذْهَبْ / تَكْتُبُ ← اُكْتُبْ / تَجْلِسُ ← اجْلِسْ

**نکته:** فقط همزه‌ی فعل امر باب افعال، همیشه مفتوح هست. مثل: تُكْرِمُ ← اَكْرِمْ / تُقْبَلُونَ ← اَقْبِلُوا

به عبارت دیگه هر وقت دیدیم که فعل امری همزه‌اش مفتوح، متوجه میشیم که فعل امر از باب افعال هست.

**نکته:** فعل‌هایی که اولشون (آ) داره از باب افعال هستن: اگه عین‌الفعلشون کسره داشته باشه، فعل امر هستن. مثل: «آت» (بده)

و «آمنوا» (ایمان بیاورید) و اگه عین‌الفعلشون فتحه داشته باشه، ماضی هستن. مثل: «آمنوا» / «آتینا»

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْأَمْرِ:

(۱) يُقْتَلُونَ ← اُقْتُلُوا (۲) تُكْرِمْنَ ← اَكْرِمْنَ (۳) تُجَدِّدِينَ ← اِجْدُدِي (۴) تُؤْمِنُونَ ← آمَنُوا

گزینه‌ی «۲» «تُكْرِمْنَ» چون از باب افعال، همزه‌ی امرش، مفتوح میشه و چون صیغه‌ی للمخاطبین هست، نون از آخرش حذف نمیشه.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): «يُقْتَلُونَ» مضارع غایب و از مضارع غایب، همیشه امر حاضر ساخت (صحیحش «لِيُقْتَلُوا» هست). / گزینه‌ی (۳): با

حذف تاء (ت) از «تُجَدِّدِينَ» حرف بعدش حرکت داره پس نیاز به آوردن همزه در اولش نیست (صحیحش «جَدِّدِي» هست).

گزینه‌ی (۴): امر «تُؤْمِنُونَ»، «آمنوا» هست. «آمنوا» فعل ماضی.

امر منفی (فعل نهی): اگه حرف «لا»ی نهی رو قبل از فعل مضارع قرار بدیم و آخرش رو مجزوم کنیم، امر منفی میشه که در عربی

بهش فعل نهی میگن. مثل: «لَا تَقُلْ»: نگو / «لَا تَخْرُجْ»: خارج نشوید / «لَا تَأْكُلُوا»: نخورید

**نکته:** حرف «لا» بر سر فعل مضارع (بیشتر صیغه‌های مخاطب) در اول جمله یا بعد از حروف «و، ف، ثم» یا بعد از «اینها» و

«اینها» معمولاً «لا»ی نهی، ولی اگه حرف «لا» با فعل مضارع وسط جمله بیاد «لا»ی نفی هست.

البته «لا» بر سر صیغه‌های مضارع غایب نیز معمولاً «لا»ی نفی هست.

مثل: «لَا تَرْجُ أَلَّا رَبَّكَ وَ لَا تَخَفُ أَلَّا ذَنْبَكَ»: فقط به پروردگارت امید داشته باش و فقط از گناهت بترس.

«لا»ی نهی

الرَّعِيَةَ لِأَيُّضَلِّحَهَا أَلَّا الْعَدْلُ: رعیت را فقط عدل اصلاح می‌کند.

«لا»ی نهی



**نکته:** اگر آخر فعل مضارع، مجزوم شده باشه (وجود حرکت ساکن یا حذف نون اعراب)، «لا» حتماً «لائی» نهی. مثل: «لَا تَذْهَبْ»، «لَا تَذْهَبُوا». اما اگر حرکت آخر فعل گذاشته نشده باشه و یا فعل، صیغهی جمع مؤنث باشه و تنوین جزم فعل رو تشخیص بدیم، بهترین راه تشخیص «لائی نفی» از «لائی نهی»، توجه به معنی جمله هست. مثل: «أَنْتَ لَا تَنْجَحُ لِأَنَّكَ لَا تَجْتَهِدُ»: تو موفق نمی‌شوی زیرا تلاش نمی‌کنی. «لَا تُقْرَبُ الْبَيْتَ»: به چاه نزدیک نشوید.

عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي تَوْجَدُ فِيهَا «لَا» فِي مَكَانِ النَّهْيِ:

- (۱) أَحِبُّ مَنْ لَا يَدَعُ احْتِرَامَ الصَّغَارِ  
(۲) لَا يَقْدِرُ صَدِيقِي أَنْ يَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ  
(۳) لَا تَعْمَلْ عَمَلًا آخَرَ فِي الصَّبَاحِ إِلَّا الْمَطَالَعَةَ  
(۴) هَذَا أَمْرٌ لَا يَحْدُثُ إِلَّا بِسَبَبِ إِهْمَالِ الْمَجْتَمَعَاتِ
- گزینه‌ی «۳» بررسی سایر گزینه‌ها:  
چون «لا» در گزینه‌های (۱) و (۴) وسط جمله اومده پس «لا» نفی نه «لا» نهی. در گزینه‌ی (۲) هم حرف «لا» اولاً: بر سر مضارع غایب اومده ثانیاً با توجه به معنی جمله، «لا» نفی.

**نکته:** گاهی اوقات فعل مضارعی با هر دو نشانه‌ی «لا» و «أَنْ» (یکی از حروف ناصبه) به کار میره؛ که اگر این فعل مضارع دارای نون اعراب باشه، نون اعراب از آخرش حذف میشه. در اغلب این موارد «لا» حرف نفی نه حرف نهی؛ پس توجه داشته باشیم که حذف نون اعراب در این‌جا نشانه‌ی نصب فعل نه جزم فعل. به بیان دیگه وجود حرف «لا» در ابتدای فعل مضارع و حذف نون اعراب از آخر اون همیشه نشانه‌ی نهی نیست و نباید ما رو به اشتباه بندازه. مثل: «أَرِيدُ إِخْوَانِي الصَّغَارَ أَنْ لَا يَلْعَبُوا فِي الْغُرْفَةِ»: از برادران خردسالم خواستم که در اتاق بازی نکنند.

## ۲۲- گزینه‌ی «۳»

**نکته:** اگر فعل در اول جمله قبل از فاعل، نائب فاعل و یا اسم افعال ناقصه بیاد، به صورت مفرد ظاهر میشه ولی اگر بعد از اسم بیاد، باید از نظر جنس و عدد با اسم قبل از خودش (یعنی مبتدا) مطابقت کنه. حالا با توجه به نکته‌ی بالا گزینه‌ها رو بررسی می‌کنیم: گزینه‌ی (۱): «تَنْظُرُونَ» صیغهی للمخاطبین هست و با «الْكَفَّارَ» که صیغهی للغائبین هست مطابقت نداره و «تَتَوَهَّمُونَ» صیغهی للمخاطبین هست و با ضمیر «هم» که صیغهی للغائبین هست مطابقت نداره. / گزینه‌ی (۲): با توجه به «الْكَفَّارَ» می‌فهمیم «ينظر» باید به صورت جمع (ينظرون) بیاد. گزینه‌ی (۴): «تَنْظُرُ» و «تَتَوَهَّمُ» در جنس و عدد (صیغه) با «الْكَفَّارَ» مطابقت ندارن.

**۲۳- گزینه‌ی «۳»** صورت صحیح فعل امر از «تَصَدَّقِي»، «أَصْدُقِي» هست پس گزینه‌ی (۱) که «صَدَّقِي» و گزینه‌ی (۴) که «أَصْدُقِي» رو آوردن حذف میشن. تازه حذف ضمیر «ک» در «کلامک» در گزینه‌های (۱) و (۲) بی‌دلیل. ضمن این‌که گزینه‌ی (۲) از فعل «يُكْرَمُ» که غایب، امر حاضر ساخته که کاملاً اشتباه.

**۲۴- گزینه‌ی «۲»** گفتیم ماضی استمراری در زبان عربی چه‌جوری ساخته میشه؟ «کان + فعل مضارع». این الگو فقط تو گزینه‌ی (۲) رعایت شده. بقیه‌ی گزینه‌ها فعل رو به صورت ماضی آوردن.

**توجه:** «ت» در «تَفْتَحُ» و «تَفْتَحَتِ»، علامت باب تَفَعَّلَ و زائد هست.

**۲۵- گزینه‌ی «۲»** تو قسمت قبلی روش شناخت فعل رو یاد گرفتیم. حالا فعل‌های هر گزینه رو از نظر زمان بررسی می‌کنیم؛ حواسمون هست که فعل در فارسی از نظر زمان، سه حالت گذشته، حال و آینده رو داره ولی تو عربی سه حالت گذشته، حال و امر. گزینه‌ی (۱): «تَعَلَّمُوا» فعل امر از باب تَفَعَّلَ (للمخاطبین) و «يُكَلِّمُ» فعل مضارع از باب تَفَعَّلَ (للمخاطب). / گزینه‌ی (۲): «ذَوَّقَتْ» فعل ماضی از باب تَفَعَّلَ (للمخاطبة) / گزینه‌ی (۳): «تَتَرَكِينُ» فعل مضارع از باب تَفَعَّلَ (للمخاطبة) / گزینه‌ی (۴): «يَدْعُو» و «يَمْنَعُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد (للمخاطب) هستن.



- ۲۶- گزینه‌ی «۲» / گزینه‌ی (۱): «قد» تکیه کلام فعل ماضی؛ پس اگه قبل از فعلی «قَدْ» دیدید به احتمال زیاد فعل ماضی. / گزینه‌ی (۲): «سَهَّلَ» از چه بابیه؟ باب تفعیل و چون عین‌الفعلش کسره گرفته فعل امره «تُسَهِّلُ ← سَهِّلُ». «كُنْ» هم فعل امر که از «تَكُونُ» ساخته شده. گزینه‌ی (۳): «أجابَ» فعل ماضی از باب افعال، «تبارکَ» و «تعالی» نیز هر ۲ فعل ماضی از باب تفاعل هستند. تشخیص این‌که «تعالی» فعل هستش خیلی مهمه. بعداً می‌خونیم که معتل ناقص (یایی) هم هست. / گزینه‌ی (۴): «تَقَدَّمَ» فعل ماضی از باب تفعّل
- ۲۷- گزینه‌ی «۳» / اگه دقت به خرج ندید سریع گزینه‌ی (۱) رو انتخاب خواهید کرد؛ ولی به غیر از «وَصَلَ» فعل‌های ماضی این عبارت «الْقَوَا» و «تَحَدَّثُوا» هم هستند. «الْقَوَا» رو ممکنه به خاطر «ال» اولش اسم تصور کنین، ولی فعل ماضی از ریشه‌ی «ل ق ی» و للغائبین از باب افعال هست. «تَحَدَّثُوا» رو به خاطر «تَ» اولش ممکنه مضارع، تصور کنین ولی اونم فعل ماضی از ریشه‌ی «ح د ث» و للغائبین از باب تَفَعَّلَ.
- ۲۸- گزینه‌ی «۲» / سؤال می‌گه که تو کدوم گزینه فعل مضارع هست. منظورش این نیست که کدوم گزینه، همه‌ی فعل‌هاش مضارع هستند. گزینه‌ی (۱): «تَعَجَّبَ» از چه بابیه؟ تفعّل؛ پس گول «تَ» اولش رو نخورید، چون ماضی دو باب تفاعل و تَفَعَّلَ اولش تاء (ت) زائد داره «نَزَلَ» هم که ماضی. گزینه‌ی (۲): «أَنُ» که قبل از فعل مضارع میاد معلوم می‌کنه فعل «أَنُ تَكْرَهُوا» مضارع هست، «(ان) يَجْعَلُ» هم که فعل مضارع ثلاثی مجرد. گزینه‌ی (۳): «أَيَقُظَ» فعل ماضی از ریشه‌ی «ی ق ظ» از باب افعال. گزینه‌ی (۴): «تَهْدَمْتُ» فعل ماضی، به «تَ» آخر برای تشخیص فعل ماضی دقت کنین و البته حواستون هم هست که «تَ» اول فعل به خاطر اینه که «تَهْدَمْتُ» از باب تَفَعَّلَ. (فعل ماضی این باب اولش «تاء» زائد داره) راستی «عسی» به معنی «چه‌بسا» به فعل ماضی.
- ۲۹- گزینه‌ی «۲» / فعل‌های مضارع رو می‌شماریم: گزینه‌ی (۱): «نرى» + «نبتعدُ» ← ۲ تا / گزینه‌ی (۲): «لأعبدُ» + «تعبدونَ» + «أعبدُ» ← ۳ تا / گزینه‌ی (۳): «يضرِبُ» + «يتذكرونَ» ← ۲ تا / گزینه‌ی (۴): «أسمعُ» + «يُدورُ» ← ۲ تا
- ۳۰- گزینه‌ی «۳» / «وَقَفْتُ» و «بَدَأْتُ» در گزینه‌ی (۱)، «خَلَقَ» و «جَعَلَ» در گزینه‌ی (۲) و «نَفَعَ» و «رَكَعْنَا» در گزینه‌ی (۴) ماضی هستند؛ ولی «نَسْتطيعُ» و «نرى» در گزینه‌ی (۳) مضارع هستند. پس زمان فعل‌های این گزینه با بقیه فرق داره.
- ۳۱- گزینه‌ی «۴» / به فعل «يحتاجُ» کی احتیاج نداریم؟ وقتی به فعل للغائب نیازی نداشته باشیم. در گزینه‌ی (۱) «هذا الجهازُ» للغائب هست، در گزینه‌ی (۲) «الإنسانُ» فعل للغائب می‌خواد و «الْتَقَدَّمَ» هم در گزینه‌ی (۳) فعل للغائب نیاز داره. می‌مونه گزینه‌ی (۴) که به خاطر «ك» در «أمورك» به فعل مخاطب یعنی «تحتاجُ» نیاز داره.
- ۳۲- گزینه‌ی «۱» / این سؤال نکته‌ی مهمی داره که مربوط همیشه به تقسیم‌بندی فعل‌های عربی از نظر معنی‌ای که تو فارسی می‌گیرن! برای منفی کردن یه فعل ماضی، جوری که معنی ماضی هم بده، از چی استفاده می‌کنیم؟ از «ما».
- «ما» + فعل ماضی ← ماضی ساده‌ی منفی (مأذَهبَ: نرفت)
- برای منفی کردن یه فعل مضارع، جوری که معنی ماضی ساده یا نقلی منفی بده از چی استفاده کنیم؟ از «لم».
- «لم» + فعل مضارع ← ماضی ساده‌ی منفی (لمْ يذهبُ: نرفته، نرفته است)
- برای منفی کردن یه فعل مضارع، جوری که معنی ماضی نقلی منفی بده از چی استفاده کنیم؟ از «لما».
- «لما» + فعل مضارع ← ماضی نقلی منفی (لما يذهبُ: هنوز نرفته است)
- برای منفی کردن یه فعل مضارع، جوری که معنی مضارع منفی بده از چی استفاده کنیم؟ از «لا».
- «لا» + فعل مضارع ← مضارع منفی (لا يذهبُ: نمی‌رود)



و برای منفی کردن به فعل مضارع، جوری که معنی آینده بده از چی استفاده کنیم؟ از «لن».

«لن» + فعل مضارع ← مضارع مستقبل منفی (لنْ يذهبْ: نخواهد رفت)

حالا برگردیم به تست، خسته و کوفته! «ماخرجنن» یعنی چی؟ یعنی «خارج نشدید». پس چی قبل از فعل مضارع باید بذاریم تا معنی ماضی منفی بگیره؟ «لم» رو، پس گزینه‌ی (۱) درست! (ما + فعل ماضی، از نظر معنا معادل لم + فعل مضارع هست)

**۳۳- گزینه‌ی «۲»** در پاسخ سؤال ۳۲ طریقه‌ی منفی شدن و انواع معنی‌های منفی فعل‌های عربی رو بررسی‌دیم (بررسی کردیم!) این‌جا می‌خوایم ببینیم چه تغییری باید تو فعل ماضی عربی بدیم تا معنی ماضی استمراری فارسی یا ماضی بعید فارسی رو بده. باید حواستون باشه که اینا فقط معنی‌هایی هستن که موقع ترجمه‌ی به فارسی استفاده میشن و در واقع ماضی بعید و ماضی استمراری و ماضی نقلی تو عربی معنی خاصی ندارن. (ولی جالبه که ما تو فارسی خودمون اسم عربی روشن گذاشتیم!) حالا دقت کنید:

صرف ماضی «کان» + فعل مضارع ← ماضی استمراری

صرف ماضی «کان» + (قد +) فعل ماضی ← ماضی بعید

«قد» + فعل ماضی ← ماضی نقلی

البته مورد آخر همیشه صادق نیست و بسته به معنی جمله، فعل بدون «قد» هم ممکنه معنی ماضی نقلی بده. حالا اشکالای ترجمه رو تو هر گزینه مشخص می‌کنیم:

گزینه‌ی (۱): «یشتری» ← «با توجه به «لها»» «تشتري»

گزینه‌ی (۲): سالم سالمه!

گزینه‌ی (۳): «تشتري» ← «با توجه به «له»» «یشتری»؛ ضمن این‌که با توجه به «قُلْتُ»، «کان» باید به صورت «كُنْتُ» نوشته بشه.

گزینه‌ی (۴): «یشتری» ← «با توجه به «لها»» «تشتري» و «لها» هم جاش تو جمله جای مناسبی نیست، باید «كُنْتُ قَدْ قَلْتُ لَهَا لَتَشْتَرِي...» نوشته بشه.

**۳۴- گزینه‌ی «۳»** بدونید که وقتی فعل ماضی یا فعل مضارع به فعل «کان» بچسبه، باید از لحاظ جنس و عدد باهاش هم‌خوانی داشته باشه. (این جوری یه چیزای دیگه‌ای هم رعایت میشه!) این قانون، فقط در گزینه‌ی (۳) رعایت نشده، تازه تو این گزینه «الاولاد» مبتداست و «کان» خبرش و در این صورت «کان» باید میشد «کانوا». این شد ۲ تا!

**۳۵- گزینه‌ی «۳»** گفتیم فعل ماضی و مضارعی که کنار «کان» باشه باید از نظر جنس و تعداد، باهاش مطابقت بکنه که فقط گزینه‌ی (۳) اینو رعایت نکرده. باید چی باشه؟ باید باشه «كُنَّ قَدْ رَجَعْنَ».

**۳۶- گزینه‌ی «۴»** در گزینه‌ی (۴) فعل «کان» به دو دلیل باید «کانوا» بشه! یکی برای مطابقت با «یکتوبن» (گفتیم فعل ماضی یا مضارع اگه با «کان» کنار هم باشن از نظر جنس و تعداد باید با هم مطابقت کنن) و دیگه این‌که، چون خبر «الطَّالِب» هست باز باید از نظر جنس و تعداد با هم مطابقت کنن؛ یعنی باید بشه «کانوا».

**۳۷- گزینه‌ی «۴»** اشتباهای گزینه‌ها رو پیدا می‌کنیم:

گزینه‌ی (۱): فعلی که اول جمله میاد فقط باید از نظر جنس با فاعل یا نائب فاعل بعد از خودش هم‌خوانی داشته باشه و از نظر تعداد باید مفرد باشه، یعنی «أخذوا» باید میشد «أخذ». / گزینه‌ی (۲): خبر، باید از نظر جنس و تعداد با مبتدا هم‌خوانی داشته باشه، یعنی «جَعَلَ» باید «جَعَلُوا» میشد. / گزینه‌ی (۳): «يُنْعَقِدُ» که خبر «جلسات» هست باید با هم مطابقت کنن، «يُنْعَقِدُ» باید میشد «تَنْعَقِدُ».

**توجه:** «جلسات» جمع غیر انسان و با جمع غیر انسان مثل مفرد مؤنث برخورد میشه.

**۳۸- گزینه‌ی «۳»** مُردیم از بس گفتیم «کان» باید با فعل ماضی و مضارع کنار خودش، از نظر جنس و تعداد برابری کنه. گزینه‌های (۱) و (۲) به این دلیل حذف میشن.

در مورد گزینه‌ی (۴) باید بگیم فعلی که اول جمله میاد (یعنی فعلی که فاعل و نائب فاعلش اسم ظاهره) همیشه مفرد و فقط باید هم‌خوانی‌اش از نظر جنس باشه، یعنی «كن» باید «كانت» میشد.



۳۹- گزینه‌ی «۱» مادر هم مادرای قدیم! با این همه توضیح، دیگه حتماً گزینه‌ی (۱) رو انتخاب کردید!

اشتباهای بقیه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۲): «کانت» با «يقولُ» جور درنماید، باید «تقول» بشه. بعد، «ماكنتُ لا أظنُّ» اشتباه چون منفی در منفی میشه مثبت! / گزینه‌ی (۳): «كنتُ» باید «کانتُ» میشد. / گزینه‌ی (۴): «کانتُ قد قالتُ» معنی ماضی بعید میده نه استمراری، در «كنتُ ما أظنُّ» «ما» هم باید قبل از «کنتُ» بیاد؛ نه قبل از «أظنُّ» و «أشاهدک فی النَّجاحِ» معادل خوبی برای «پیروزیت را بینم» نیست.

۴۰- گزینه‌ی «۳» این گزینه اشتباه. چون «لمْ تُکونی» معنی ماضی منفی میده که با فعل مضارع بعدش، ماضی استمراری می‌سازه ولی در

قسمت دوم «تکونی» مضارع هستش که با فعل ماضی بعدش نمیتونه معنی ماضی استمراری بده. درستش اینه: یا «ما کنتِ تَدخلین» یا «کنتِ لا تَدخلین»

۴۱- گزینه‌ی «۴» مضارع التزامی چیه؟ مضارع + مضارع. حالا بقیه‌ی حالاتی رو با هم بررسی می‌کنیم که یه جمله‌ی عربی تو فارسی،

مضارع التزامی معنی میده:

۱- مضارع منصوب به حروف ناصبه‌ی (أَنْ، لِمَ، إِذَنْ، کِیْ، لَکِیْ، حَتَّى و ...)

۲- امر غایب یا امر به «لِ»

۳- فعل شرط (چه ماضی چه مضارع)

نوجه: فعل جواب شرط، چه ماضی باشه و چه مضارع، مضارع اخباری یا آینده ترجمه میشه.

۴- فعل‌هایی که بر دعا و نفرین یا اموری که قراره در آینده بیفته، دلالت میکنن.

۵- اگه خبر «لیت» و «لَعَلَّ» فعل مضارع باشه.

۶- هرگاه فعل مضارعی بعد از فعل‌های امر و نهی بیاد. (فعل‌های مضارع مجزوم پس از افعال طلبی)

حالا، در گزینه‌ی (۱) فعل مضارع منصوب به حروف ناصبه داریم، در گزینه‌ی (۲) فعل امر غایب داریم و در گزینه‌ی (۳) فعل شرط داریم که اینا معادل مضارع التزامی تو زبان فارسی هستن. اما در گزینه‌ی (۴) «لا تُبطلوا» فعل نهی که معنی امر منفی میده نه مضارع التزامی.

۴۲- گزینه‌ی «۲» گزینه‌ی (۱): «أعودُ» به معنی «پناه می‌برم» فعل مضارع متکلم وحده هست. / گزینه‌ی (۲): «دُقَّ» فعل امر که از فعل

«يَدُقُّ» ساخته شده. / گزینه‌ی (۳): «جَعَلْنَا» ماضی متکلم مع‌الغیر / گزینه‌ی (۴): «اشترُوا» فعل ماضی صیغهی للغائبین هست.

۴۳- گزینه‌ی «۲» «أدعو» در گزینه‌ی (۱) فعل مضارع متکلم وحده است. «سیری» در گزینه‌ی (۲) فعل امر اجوف از ریشه‌ی «س ی ر» صیغهی

للمخاطبة هست. در گزینه‌ی (۳) «تَبَّهْ» فعل ماضی باب تفعیل صیغهی للغائب هست. «أحدثتُ» در گزینه‌ی (۴) فعل ماضی باب افعال، صیغهی للغائبه هست.

۴۴- گزینه‌ی «۱» نکته‌ی ظریفی که معمولاً اشتباه میشه، اینه که فعل امر مخاطب یا همون امر خودمون فقط برای فعل مضارع مخاطب

کاربرد داره. اگه بخوایم از صیغه‌های متکلم یا غایب، امر بسازیم باید از «لِ» استفاده کنیم؛ یعنی امر غایب «يَذْهَبْنَ» میشه «ليَذْهَبْنَ».